

زنده باد نبرد فرزندان طبقه‌کارگر حومه پاریس

شورشی که در کلیشی سو بوآ آغاز گشت، امروز پس از نه روز، به چندین شهرک دیگر حومه پاریس، همچون ول دوواز در شمال، سن و مارن در جنوب شرقی و ایولین در غرب پاریس، گسترش یافته است. ماجرا زمانی آغاز گشت که دو نوجوان پانزده و هفده ساله برای رهایی از چنگ پلیس به محل ترانسفورماتور برق گریخته و در آنجا به علت برق‌گرفتگی جان باختند. این حادثه خشم نهفته کارگران ساکن محله‌های حاشیه‌نشین پاریس از سرکوب و تبعیض سیستماتیک قدرتمداران را برانگیخت. درست ساعاتی پس از این حادثه، صدها جوان خشمگین با سنگ و بمب‌های آتش‌زا بسوی پلیس حمله‌ور شدند.

اکنون این شورش نهمین روز خود را از سر می‌گذراند. بنابر آخرین گزارشات، تظاهرات فرزندان کارگران شهرک‌های اطراف پاریس به تقابل خشونت‌آمیز با پلیس منجر گشته است. حال دیگر شورش، حقیقتی است که رخ داده است. سرکوب شدگان و استثمارشدگانی که چهره‌کریمه سرمایه و ماهیت قدرتمداران را تجربه کرده‌اند، اراده کرده‌اند تا علیه زورمداران شورش کنند.

توأم با سرکوب شورش توسط دستگاه نظامی، مطبوعات رسمی میکوشد تا صدای اعتراضی فرزندان کارگران را در گلو خفه سازند. استراتژی مدیای بورژوا عبارت است از تحریف پیام اصلی شورش.

درست هنگامی که مناطق بسیاری از شهرک‌های اطراف پاریس در آتش میسوزد، مطبوعات رسمی در پی مبدل کردن خیزش شهرک‌های پاریس به خوراک تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۷ هستند. اینان میکوشند تا این خیزش را تبدیل به اهرم رقابت میان دولپین و سارکوزی، نخست‌وزیر و وزیر کشور، سازند.

دستگاه ایدئولوژیک بورژوا در آغاز کوشید تا بر فرزندان کارگران، انگ جانی و خلافکار بزند. این تلاش اما به شکست انجامید. اکنون قدرتمداران میکوشند گروه‌های مذهبی را، برغم آنکه پایگاهی میان جوانان ندارند، همچون رهبران و سخنگویان جنبش اعتراضی جلوه دهند.

احزاب جناح چپ اپوزیسیون، در تمایز با تفاسیر فرمایشی قدرتمداران، با سکوت خود در باره خیزش فرزندان کارگران علیه بربریت سرمایه، به یاری استراتژی بورژوازی برخاسته‌اند. بخشی از این احزاب در صدد هستند تا علت خیزش اخي را با هویت قومی و مذهبی اقلیت‌ها توضیح دهند. این نیز جزئی از فریبکاری بورژوایی است. امری که از سوئی بر راسیسم علمی، راس بیولوژی و از سوی دیگر، بر راسیسم فرهنگی و سیاسی بنا شده است. راسیسمی که چهره خود را در پس مبحث جامعه‌چند فرهنگی و یا تصادم فرهنگی میان اقلیت‌های غیراروپایی با اروپایی‌ها نهان کرده است. هدف اصلی این فریبکاری‌ها تقسیم طبقه‌کارگر به گروه‌های قومی و نژادی و ایجاد تفرقه در صف مبارزه آنان است. از همین رو هرگونه تلاشی برای تعریف و تبیین مبارزات فرزندان کارگران از طریق مذهب یا نژادی، یک موضع ضد انقلابی است.

امروز، برغم گسترش شورش به بیش از پانزده شهرک حومه پاریس، بسیاری از گروه‌های چپ کمونیست ناتوانی خود در انجام وظیفه سیاسی خویش در عمل انقلابی را نمایان کرده‌اند. بسیاری از گروه‌های باصطلاح چپ کمونیستی دست به سکوت در مقابل این خیزش تاریخی زده‌اند. این موضع سیاسی موجب سردرگمی عناصر انقلابی میشود. عناصری که می‌بایست در واقع در پیشاپیش این نبرد برای تبدیل آن به یک جنگ انقلابی طبقاتی قرار داشتند. سکوت معنی‌دار گروه‌های چپ کمونیست در مقابل خیزشی که در تاریخ مدرن اروپا بی‌سابقه بوده، بیانگر یک معضل نهان میان این گروه‌ها است. معضلی که نشان از نفوذ اروسنتریسم بر باصطلاح جنبش سیاسی پرولتری دارد. این واقعه تراژدیک در عین حال بدین معنا است که، با این رخداد، دیگر نمی‌توان سخن وجود یک جنبش سیاسی استوار بر سنت انقلابی راند.

فریبکاری نژادپرستانه بورژوازی موجب بروز سردرگمی پیرامون وقایع شهرک‌های حومه پاریس شده است. مارکسیست‌ها هیچگاه جنبش‌های اعتراضی توده‌ها را بر اساس تعلقات نژادی، مذهبی و قومی گروه‌های اجتماع ارزیابی نکرده‌اند. آنچه امروز در شهرک‌های حومه پاریس رخ میدهد، درگیری ناشی از تعصبات مذهبی یا اندیشه‌های واپس‌گرایانه این یا آن فرقه

ایدئولوژیک با مدافعان مدرنیته، پلیس، نیست. این تصویر دروغین مدیای بوژوا است. آنچه ما شاهد رخداد آن در پاریس هستیم، عبارت است از یک خیزش تاریخی علیه بیکاری، فقر، حاشیه نشینی و در عین حال شورشی علیه تبعیض سیستماتیک بر بخش عظیمی از طبقه کارگر.

تشکیلات کارگران انترناسیونالیست با تمام قوا حمایت و همبستگی خود را با نبرد فرزندان کارگران شهرک‌های کارگری پاریس اعلام میدارد. ما همه عناصر انقلابی را به شرکت فعال در نبرد فرزندان طبقه کارگر علیه بربریت سرمایه‌داری فرا میخوانیم. تنها یک دخالت‌گری کمونیستی قادر است تا این نبرد را به یک جنگ تمام عیار طبقاتی علیه سرمایه‌داری بدل سازد.

زنده باد انقلاب کارگری

تشکیلات کارگران انترناسیونالیست — واحد سوند ۵ نوامبر ۲۰۰۵